

استان

دوفصلنامه ایران‌شناسی (باستان‌شناسی، میراث فرهنگی و علوم پیوسته)

پرونده ویژه:

جهان هخامنشی (۲)



■ هخامنشیان

در آناتولی؛ گزارش‌های از
نمایشگاه «تاتارلی، بازگشت رنگ‌ها»

■ بابل در زمان هخامنشی

■ درآمدی بر باستان‌شناسی

دوره هخامنشی مصر

■ کتیبه نویافته پارسی باستان

■ باستان‌شناسی و تاریخ

■ لژیون‌های پارتی در سپاه روم / کامیار عبدی

■ فلات مرکزی، مرکز فلات، شمال مرکزی:

کشاکش نام و جای / کوروش روستایی

■ آثار و گفتاری از

یوسف مجیدزاده،

منوچهر ستوده، میر عابدین

کابلی، ناصر نوروززاده چگینی،

حکمت‌اله ملاصالحی، محمود موسوی، احسان

یغمایی، سیدمنصور سیدسجادی، کامیار عبدی،

کوروش روستایی، علی موسوی، سینا نوعی، سپیده قاهری،

مرجان مشکور، مسعود نظام‌آبادی، ماتیو لوبی، ارنی هرینک،

استاورس پاسپالاس، جنسن هارماتا، والتر هینتس

به نام خداوند جان و خرد



دوره جدید، شماره ۱۲ و ۱۳
پاییز و زمستان ۱۳۹۰
بهار و تابستان ۱۳۹۱
تاریخ انتشار: بهمن ۱۳۹۱

فهرست

خبرنامه ... ۲

درگذشت باستان‌شناس فرانسوی: ژان پرو / علی موسوی ... ۴
درباره یازدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران / یادداشت‌هایی از میرعابدین کابلی، ناصر نوروززاده چگینی، حکمت‌اله ملاصالحی، علیرضا سرداری و کامیار عبدی ... ۷

بازخوانی

جاده‌ای به نام ابریشم هرگز وجود نداشته است / منوچهر ستوده ... ۱۷

نگاه

به یاد او که آموزگار مهر و دوستی بود / محمود موسوی ... ۱۹
همایش ایران و قفقاز در ایروان / احسان شواربی ... ۲۲

پرونده: باستان‌شناسی ایران در دهه ۱۳۸۰

با آثاری از کریم‌علیزاده، وحید عسکریور، عمران گاراژیان، یوسف حسن‌زاده، مهرداد ملک‌زاده، رضا ناصری، محمدتقی عطائی و سپیده مازیار ... ۲۵

پرونده ویژه: جهان هخامنشی (۲)

هخامنشیان در آناتولی؛ گزارشی از نمایشگاه «تاتارلی، بازگشت رنگ‌ها» / سینا نوعی ... ۳۹
بابل در زمان حکومت هخامنشی / ارنی هرینگ، ترجمه علی‌اکبر وحدتی ... ۴۸
درآمدی بر یافته‌های باستان‌شناسی دوره هخامنشی مصر / سپیده قاهری ... ۵۷
شاهنشاهی هخامنشی و شمال غرب اژه / استاورس ا. پاسیالاس، ترجمه وحید عسکریور ... ۷۹
کتیبه نویافته پارسی باستان [از رومانی] / جنسن هارماتا، ترجمه مریم دارا ... ۹۳

تاریخ و باستان‌شناسی

لژیون‌های پارتی در سپاه روم / کامیار عبدی ... ۹۹
باستان‌انگل‌شناسی در فلات ایران و خاورمیانه / مسعود نظام‌آبادی، مرجان مشکور و ماتیو لوتینی ... ۱۰۸
فلات مرکزی، مرکز فلات، شمال مرکزی: کشاکش نام و جای / کوروش روستایی ... ۱۱۴

موزه

یک نقاشی ایرانی از سفیر آلمان در دربار شاه عباس ... / والتر هینتس، ترجمه مهنوش شفیعی ... ۱۲۷
نقش‌برجسته‌ای ساسانی در موزه یاسوج / شهرام زارع، محمدتقی عطائی و ابراهیم قزلباش ... ۱۳۱
یافته‌های دور از بافت (۵) / احسان (اسماعیل) یغمایی ... ۱۳۷

ضمیمه نقد و معرفی کتاب (۵)

شعبده تحقیق / سیدمنصور سیدسجادی ... ۱۴۳
پاسخ به یک نقد / یوسف مجیدزاده ... ۱۴۵

چکیده انگلیسی

باستان پژوهی

دوفصلنامه علمی، فرهنگی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی
در زمینه ایران‌شناسی (باستان‌شناسی، میراث فرهنگی و علوم بیوسته)

شماره ثبت مجله: ۱۲۴/۹۹۶۷

ISSN 2008-6652

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر:
شهرام زارع

مدیر داخلی: علیرضا یارمحمدی

ترجمه به انگلیسی: کوروش روستایی

ویرایش لوگو و طرح جلد: محمد فدائی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی-پژوهشی خُجَند

امور تبلیغات و مشترکین: یارمحمدی (۰۹۱۲۴۴۴۴۴۹۴)

طرح، نظارت و اجرا: مؤسسه فرهنگی-پژوهشی خُجَند

چاپ: جمالی

(خیابان انقلاب، خیابان ایوریخان، شماره ۳)

لیتوگرافی: نقش سبز ۷۷۵۱۲۴۱۰

نشانی برای ارسال مقاله، نامه و نقد: تهران، صندوق پستی: ۱۳۹۵-۱۳۱۴۵،
مجله باستان‌پژوهی، تلفکس (موقت): ۶۶۹۵۲۶۹۱
تلفن همراه: ۰۹۱۲۴۹۸۰۲۶۸

"باستان‌پژوهی" نشریه‌ای علمی، فرهنگی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی است که با مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ثبت ۱۲۴/۹۹۶۷، هر شش‌ماه یکبار منتشر می‌شود.
"باستان‌پژوهی" به هیچ سازمان یا نهادی وابسته نیست. مطالب منتشر شده لزوماً دیدگاه مدیریت نشریه نیست.

© همه حقوق برای «باستان‌پژوهی» محفوظ است. هرگونه بازنشر یا تولید مطالب شماره‌های گوناگون مجله به هر صورتی، از جمله چاپ، انتشار الکترونیکی، فیلم یا صدا بدون اجازه مکتوب از دفتر مجله مجاز نیست. همچنین انتشار بر روی سی‌دی و دیگر حامل‌های اطلاعات بدون موافقت مکتوب حتی با ذکر مأخذ ممنوع و قابل پیگرد است.

«باستان‌پژوهی» را از مراکز زیر تهیه نمایید:

انتشارات توس (تهران، ج. انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، نیش ج. دانشگاه)
انتشارات طهوری (تهران، ج. انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران)
کتابفروشی بلخ (تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی پارک لاله، ج. جلالیه، ش. ۱۲)
نشر چشمه (تهران، مقابل پل کریمخان، نیش ج. میرزای شیرازی)
کتابسرای افتخارزاده (تهران، م. انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، زیر همکف، ش. ۲۱۷)
شیراز: کتابفروشی هانمی (چهار راه تمسیر، تلفن: ۰۷۱۱-۲۲۲۶۶۶۹)
خوزستان، شوش: کتابفروشی مهرآین (ج. شریعتی، چهار دستگاه/ دادگاه سابق)



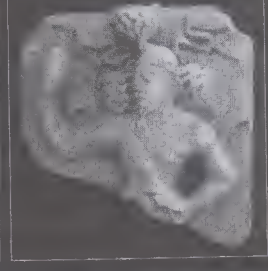
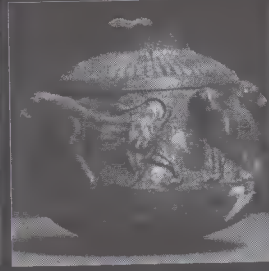
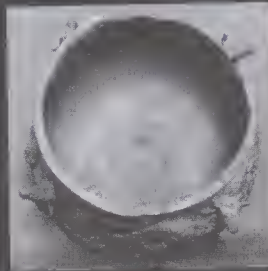
روی جلد: قطعه‌ای از یک نقش‌برجسته ساسانی، موزه شهر یاسوج، استان کهگیلویه و بویراحمد (برای آگاهی بیشتر بنگرید به بخش موزه‌داری در همین شماره، صص ۱۲۶-۱۳۱).

آرشین

موزه و موزه‌داری

این شماره:

- یک نقاشی ایرانی از سفیر آلمان در دربار شاه عباس بزرگ به سال ۱۶۰۹ م / والتر هینتس، ترجمه مهنوش شفیعی ۱۳۷۰
- یک نقش برجسته ساسانی در موزه یاسوج / شهرام زارع، محمدتقی عطایی و ابراهیم قزلباش ۱۳۶۱
- یافته‌های دور از بافت (۵) / احسان (اسماعیل) یغمایی ۱۳۷۰



[یک نقاشی ایرانی از سفیر آلمان در دربار شاه عباس بزرگ به سال ۱۶۰۹ م *]

نوشته والتر هینتس
ترجمه مهنوش شفیعی

سلطان این زمانه شاه عباس بزرگ که از خانواده پیامبر بزرگ آمده است او به خزانه‌دار دربار پادشاهی دستور داد همان که بارها فرستاده پادشاه بوده است هر چه زودتر تهیه کن صندوقی جوهری مزین و زیبا شود تا تحسین پادشاه را جلب کند خزانه‌دار مرا انتخاب کرد که انجام شود دستور پادشاه بدون چون و چرا من بعد از اتمام کار هنری را نزد او آوردم که روح هر انسانی را به وجد می‌آورد که مشاهده آن [صندوق] حتی خوشرو کند کسی را که غبار غم، روح او را گرفته

از این ابیات می‌توان این‌گونه برداشت کرد که شاه عباس بزرگ (۱۵۸۸ تا ۱۶۲۹ م) به خزانه‌دار خود، که یکی از بالاترین مقامات دربار محسوب می‌شد، مأموریت داده تا صندوقی به منظور نگهداری نوشت‌افزار شاه بسازد. خزانه‌دار برای انجام این مهم میر یوسف را برمی‌گزیند. او نیز با علاقه مشغول به کار می‌شود و اثری را می‌آفریند که ما اکنون مشغول به بحث درباره آن هستیم. همان‌گونه که آمد مشخصه مورد نظر ما نقاشی روی در صندوق است. این مینیاتور مجلسی را در دربار صفوی و در حضور شخص شاه عباس یکم (کبیر) را نشان می‌دهد. تا آن زمان تصویری از مجالس درباری صفوی در اختیار ما نبود. مینیاتور مورد بحث ما قدیم‌ترین تصویر شاه عباس است. متأسفانه روی خود صندوق هیچ‌گونه راهنمایی برای تشخیص اشخاص و دلیل گرد آمدن آنان به چشم نمی‌خورد. بررسی منابع آن زمان^۲ به ما کمک می‌کند که کمبود محتوای نوشته‌های روی صندوق را جبران کنیم. برای درک بهتر موضوع، باید مختصری به تاریخچه پادشاهی ایران بپردازیم. شاه عباس یکم (بزرگ)

در بخش هنر دوره اسلامی موزه برلین [آلمان، م.] صندوقچه‌ای نگهداری می‌شود که در سال ۱۶۰۹ میلادی ساخته شده است. این صندوقچه از طرف پرفسور فردریش زاره به این موزه اهدا شده است. این صندوقچه نه تنها به دلیل ابعاد غیر معمولش (با درازای ۷۲ سانتیمتر، پهنای ۴۹ سانتیمتر و بلندی ۴۳ سانتیمتر)، بلکه به خاطر پیشینه فرهنگی و تزیینات هنرمندانه‌اش قابل تحسین و نیازمند نگاهی ژرف است.

این صندوقچه از چوب ساخته شده است. هر چهار سوی آن لاک کاری شده و با نقاشی

تزیین گردیده است. تصویرهای کوچک‌تر، که در گرداگرد این صندوقچه نقاشی شده‌اند، برگرفته از افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی است، اما بزرگ‌ترین نقاشی بر روی در صندوق دیده می‌شود و بسیار جالب توجه است (تصویر ۱). هنرمندی که نام خود را در پایین در صندوقچه نوشته، خود را «یوسف، غلام دربار» می‌نامد. او از معدود استادانی است که در دربار شاه عباس بزرگ با حقوق ثابت استخدام شده بود و با عنوان «مجلسی» (درباری) از نزدیکان پادشاه به حساب می‌آمد. بعضی از مینیاتورهای «میر یوسف» را ف. مارتین در اثر معروف خود نقاشان و نقاشی مینیاتور ایرانی-هندی و ترکی (جلد دوم، لندن، ۱۹۱۲، صص ۱۵۵ و ۱۵۶) آورده است.^۱ در آثار «میر یوسف» دستاوردهای عالی مینیاتورپرست‌های ایرانی را از زمان بهزاد (۱۴۵۰ تا ۱۵۳۰ م)، معروف‌ترین استاد نقاشی ایران، به چشم می‌خورد. در اوایل سده هفدهم میلادی در کار هنرمندان ایرانی، مانند رضا عباسی، آزادی زیادی دیده می‌شود، اما «میر یوسف» به این گروه از هنرمندان نوآور تعلق نداشت.

روی مینیاتور اشعاری بدین مضمون نوشته شده است:**

موفق‌ترین پادشاه ایران پس از ورود اسلام بود. از بعضی جهت‌ها ویژگی‌های او را می‌توان با پطر کبیر، امپراطور روسیه، مقایسه کرد. عباس سلطنت خود را زمانی آغاز کرد که تاج و تخت صفوی در لبه پرتگاه بود. در درون کشور درگیری میان اشراف و خوانین طوایف مختلف اوضاع کشور را به کلی به هم ریخته بود. امپراتوری عثمانی در غرب و خانات ازبک در شرق از جمله تهدیدات خارجی به شمار می‌رفتند. عباس با پشتکار خستگی‌ناپذیر موفق شد پس از چند دهه ایران را دوباره متحد کند. او ازبک‌ها را به سختی شکست داد و عثمانی‌ها را از خاک ایران بیرون راند و همزمان با آن، امنیت و نظم را به کشور بازگرداند. تولیدات و صنایع شروع به پیشرفت کردند. علم و هنر تحت حمایت سلطنتی قرار گرفتند، و روابط سیاسی و بازرگانی با کشورهای اروپایی از سر گرفته شد. در این دوره شکوفایی بود که صندوق و نقاشی مورد بحث ما پدید آمد که حال بیشتر در مورد آن بحث خواهیم کرد:

درست سمت راست نقاشی، شاه عباس بر روی تخت سلطنتی نشسته است. در سال ۱۶۰۹ او ۳۸ سال بیشتر نداشت؛ نقش روی صندوق نیز شاه عباس را در همین سن و سال نشان می‌دهد. آنچه او را مشخص می‌کند سیبل اوست که در تمام نقوش باقی مانده از او به چشم می‌خورد. او ریش ندارد. این مسأله در تمام ایرانیان آن زمان به چشم می‌خورد. این سنت در باورهای مذهبی صفویان ریشه داشت. صفویان (۱۵۰۰ تا ۱۷۲۲ م) باورهای شیعی داشتند و اجدادشان درویشی بودند که سنت قیچی کردن (زدن) ریش را از مدت‌ها قبل در پیش گرفته بودند.

فقط شاه است که چهار زانو نشسته؛ سایر حضار یا ایستاده‌اند یا زانو زده‌اند. شاه عباس در دست چپ خود یک جام گرفته است. او جامه‌ای گلدوزی شده از حریر به تن دارد. بر سر او عمامه‌ای گرانبها آراسته با پَر و سنگ‌های قیمتی به چشم می‌خورد.

یک انگلیسی به نام جان کارترایت (John Cartwright) در سال ۱۶۰۳ شاه عباس را به این صورت توصیف می‌کند: این حکمران قد متوسطی دارد، نه خیلی کوچک، نه خیلی بزرگ. نگاه او بسیار جدی است. چشمان وحشی و نافذی دارد. رنگ پوستش قهوه‌ای‌رنگ (آفتاب‌سوخته) است، سیبل او بلند و چانه‌اش اصلاح شده است. او چهره‌ای جنگاورانه و تلخ دارد، به طوری که در نگاه اول انسان می‌خواهد به او شرارت و خشونت نسبت دهد، اما ذاتی مؤدب و شاد دارد. انسان راحتی است و در هر زمان می‌شود با او صحبت کرد. او با میل در جمع درباریان خود غذا می‌خورد. علاقه زیادی به شکار با شاهین و همین‌طور شکار با اسب در رکاب اشرافیان خود دارد.

در سال ۱۶۲۸ م، انگلیسی دیگری به نام تامس هربرت (Thomas Herbert) می‌نویسد که: چشمان پادشاه کوچک ولی آتشین است. بدون ابرو است (برعکس تصویر ما). پیشانی کوتاه، ولی دماغی عقابی دارد. چانه‌اش نوک‌تیز و بدون مو است. سیبل بسیار بلند و پرپشتی دارد که به طرف پایین است (به طرف پایین رشد کرده یا تزیین داده شده است).

به طور قطع نمی‌توان گفت که این مینیاتور چه رویدادی را به تصویر می‌کشد. این فرض که خود میریوسف در تصویر باشد، یک برداشت غربی است. در خاورزمین تصویر خود نقاش در تصویرگرایی و نقاشی به‌ندرت به چشم می‌خورد.

اگر فرض را بر این بگذاریم که پیرمردی که در مقابل پادشاه زانو زده، میریوسف نیست، این پرسش پیش می‌آید که در این تصویر با چه شخصی سر و کار داریم و نوشته‌ای که در دست اوست چه چیزی و با چه محتوایی است. بالاپوش گرانبهایی که بر تن اوست و به لباس شاه شباهت دارد و همین‌طور بر تن شخص سومی که در سمت چپ تصویر دیده می‌شود، به نظر می‌رسد که به عنوان لباس فاخر از طرف شاه به آنان اهدا شده است. ریخت ریش و عمامه پیرمردی که در مقابل شاه عباس نشسته این فرض را تقویت می‌کند که او از فرستادگان دربار عثمانی است. در تأیید این فرضیه می‌توان چنین پنداشت که لوحی که در دست اوست نوشته‌ای دولتی است که خود سفیر مشغول خواندن آن

است. البته می‌توان فرض را بر این هم گذاشت که یک شاعر اثر خود را برای شاه قرائت می‌کند، اما ریش و عمامه او با این فرضیه همخوانی چندانی ندارد. شناسایی سایر اشخاص کمی آسان‌تر است. پشت سر شاه، دو نفر از لشکریان او ایستاده‌اند که به احتمال زیاد از محافظان شخصی شاه عباس هستند. یکی شمشیر و دیگری کمان شاهانه را حمل می‌کند. نفر اول شمشیردار شاه است و از اشراف ترکمن است، اما در تاریخچه‌های ایرانی از او نامی برده نشده است. نفر دوم کمان‌دار شاه است به نام یعقوب خان. نفر سوم این جمع از محافظان تیردار شاه است که در سمت چپ مینیاتور دیده می‌شود. او دو دسته تیر در بغل دارد و نامش اوعلی‌قلی بیگ و از طایفه «شاملو» است.

پشت سر شاه نفر سومی هست که به احتمال زیاد باید آجودان شخصی شاه به نام سلمان باشد. او موظف بود که همواره به هنگام مراسم رسمی در سمت راست و پشت سر شاه بایستد. مهتر (آجودان) همواره یک خواجه سفیدرو بود. او به نشانه مقام خود کمربندی دارد که به آن صندوقچه کوچکی نصب شده است. محتوای این صندوقچه دستمال‌های خوشبو و آغشته به تریاک برای مصرف پادشاه بود. ولی متأسفانه در این تصویر صندوقچه به‌وضوح دیده نمی‌شود. در سمت راست نیز دو پسر جوان زانو زده‌اند که ساقی پادشاه هستند. به نظر می‌آید که آنان منتظر اشاره‌ای از شاه هستند که، به رغم نص صریح قرآن کریم، شراب سرخ شیراز را از ابرق‌های گردن بلند و زرین در ساغر شاه بریزند. در پایین تصویر دو سید پر از میوه و در کنار آن کوزه‌ای با آب ولرم همراه با کاسه‌ای برای شستن دست‌ها دیده می‌شود.

اینک نگاه خود را از گروهی که توضیح دادیم، به سمت چپ تصویر برمی‌گردانیم. در اینجا شخصی توجه ما را به خود جلب می‌کند که بین شاه و سفیر احتمالی عثمانی زانو زده است. او وزیر بزرگ شاه عباس به نام «میر حاتم بیگ» است. عمامه قیمتی او دست کمی از عمامه شاه ندارد. پس شاه، او بالاترین مقام مملکتی بود. ولی صدراعظمی او به سبک و سیاق صدراعظم‌های اروپایی نبود. او فقط وسیله‌ای بود برای انجام دستورات شاه. میرزا حاتم بیگ سمت وزارت را بدون خلل تا زمان مرگ طبیعی خود، یعنی سال ۱۵۹۱ تا ۱۶۱۰ م، عهده‌دار بود. این نشانه‌ای بود از شخصیت ثابت‌قدم شاه و درایت خود وزیر.

شناسایی گروه سه نفره‌ای را که کنار وزیر روی زمین زانو زده‌اند کاری دشوار است. معمولاً در مجالس درباری در کنار وزیر، فرمانده محافظان شاه، رئیس دربار و منشی دربار (کاتب) حضور داشتند. گاهی نیز فرمانده سپه پادشاهی و یا حکیم شخصی شاه هم در مجلس حاضر بودند. به همین دلیل تشخیص هویت آنان کمی دشوار است. از سمت راست نفر چهارم از افرادی که زانو زده‌اند به احتمال زیاد هیچ یک از شخصیت‌های درباری که در بالا اشاره کردیم، نیست. ریش سیاه و بلندش نشان می‌دهد که او کاتب دربار فرمانده سپاه نیست. بیشتر این احتمال وجود دارد که او پزشک شخصی شاه فرستاده دربار گورکانیان هند باشد. چیزی که حدس دوم ما را تقویت می‌کند به جز ریش غیر متعارف او، نزدیکی او به شخصی است که هم‌سطح با پادشاه زانو زده است.

مشخصاتی که در نفر پنجم زانو زده در کنار مرد با ریش سیاه و بلند قابل توجه است، علاوه بر شکل غیر مشرقی کلاه او، حالت اروپایی صورت اوست. واقع، چنین به نظر می‌رسد که این فرد سفیر آلمان در دربار شاه ایران است. نخستین سفیر آلمان (امپراتوری مقدس روم - ملت آلمان) به ایران «یوهان بالبی» (Johann Balbi) بود که در سال ۱۵۲۹ از طرف کارل پنجم دربار شاه اسماعیل فرستاده شد. ولی تا هنگام رسیدن او به ایران شاه اسماعیل دیگر در قید حیات نبود. دومین سفیر آلمان «اشتفان کاکاس فون سالانکمن» (Stefan Kakas von Szalankemen) بود که از طرف رودلف دوم در سال ۱۶۰۳ به دربار شاه عباس فرستاده شد، اما او نیز پیش از آن که به دربار صفوی برسد در ایران درگذشت. سفیر سوم که تصویرش در اینجا ترسیم شده در ۱۷ اکتبر ۱۶۰۹ این افتخار را داشت که در اردبیل به پایوسی شاه عباس



تصویر ۱. سفیر آلمان در دربار شاه عباس بزرگ، نقاشی روی در چمبه ایرانی متعلق به سال ۱۶۰۹ م.
بخش هنرهای اسلامی موزه برلین، آلمان.

آید. او از طرف رودلف دوم پادشاه هابزبورگ مرقومه‌ای برای شاه ایران آورد که در آن رودلف دوم با درخواست همکاری، شاه عباس را به جنگ مشترک علیه عثمانی‌ها دعوت کرده بود.

در تاریخ سلطنت شاه عباس کبیر که اسکندربیک منشی، منجم دربار، نگاشته، نام سفیر آلمان ذکر نشده و فقط به فردی اشاره شده که محقرانه جلوی شاه سر تعظیم فرود آورده است. ولی خوشبختانه در گزارش‌های دربار آلمان نام او به صورت «وارتیسلاو، بورگ گراف فن دوهنا» (Wartislaw Burggraf von Dohana) به معنی «وارتیسلاو، حاکم قلعه دوهنا» ثبت شده است. در منابع آمده که پس از دو سفیری که در سال‌های ۱۶۰۴ و ۱۶۰۵ به ایران فرستاده شدند اما موفق نشدند به حضور شاه ایران برسند، وارتیسلاو روانه ایران شد.^۲

در مورد دو نفری که در سمت چپ تصویر زانو بر زمین زده‌اند می‌توان احتمال داد که از فرستادگان دولت‌های خارجی باشند، اما مدرک قوی در تقویت این فرضیه در دست نداریم.

حال فقط سه ایرانی آخر باقی می‌مانند که کنار محافظ شخصی شاه (کسی که تیردان شاه را با خود حمل می‌کند) ایستاده‌اند. آنان به احتمال قوی پسران اشراف یا رؤسای طوایف صفوی هستند که از طرف پدران خود برای آموزش به دربار سلطنتی فرستاده شده‌اند.

در اینجا توضیحات ما در مورد تصویر روی صندوقچه به پایان می‌رسد. این مینیاتور یک رویداد فرهنگی-تاریخی را در ایران به تصویر کشیده است و همچنین روابط تاریخی ایران صفوی و آلمان را به نمایش می‌گذارد، به طوری که در نوع خود بی‌همتا است: تصویر سفیر امپراتوری هابزبورگ در دربار صفوی.

زمانی که من این مقاله را به پایان رساندم، پرفسور زاره توجه مرا به صندوقچه‌ای جلب کرد که در موزه هنرهای باستان شهر کلن نگهداری می‌شود و به یقین پیوند مستقیمی با صندوق مورد بحث ما دارد. صندوقچه موزه کلن هشت ضلعی است و تصویری که بر روی آن نقاشی شده است مانند تصویر صندوقچه برلین است، با این تفاوت که ترتیب قرار گرفتن افراد در نقاشی صندوقچه کلن درست برعکس نقاشی صندوقچه برلین است (شاه در سمت چپ نقاشی شده است). نقاشی صندوقچه کلن ترتیب قرار گرفتن افراد را مانند صندوقچه برلین ترسیم کرده است، ولی در لباس و صورت افراد تغییرات زیادی داده است؛ مثلاً نقاش ریخت، همه عمامه‌ها و کلاه سفیر آلمان را تغییر داده است. افزون بر این، در تصویر روی صندوقچه کلن، سفیر آلمان سبیل ندارد. شاه و دو شخص دیگر نیز بدون سبیل به تصویر کشیده شده‌اند. محافظ شاه در این تصویر فقط یک دسته تیر دارد. محافظان دیگر، شمشیردار و کمان‌دار به همان صورت ایستاده‌اند و لیکن دیگر شمشیر و کمان به دست ندارند.

دلیل این تغییرات را می‌توان در متنی یافت که بالای نقاشی نوشته شده، به این مضمون: مجلسی در دربار امیر تیمور گورکانی، سال ۱۶۱۰ م. شخصی که اینجا به تصویر کشیده شده، شاه عباس نیست، بلکه تیمور لنگ است که طی سده‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی خان تاتارها بود. قلمرویی که تیمور بر آن حکمرانی می‌کرد، دست کمی از سرزمین‌های تحت سلطه چنگیز خان مغول نداشت. چیزی که در نقاشی روی صندوقچه کلن عجیب به نظر می‌رسد تاریخ آن است. تاریخ ذکر شده روی نقاشی کلن نمی‌تواند از نظر زمانی با دوره حکمرانی امیر تیمور همزمان باشد، چون با رویداد به تصویر کشیده شده مطابقت نمی‌کند (زمان حکمرانی امیر تیمور بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۵ میلادی بوده و نقاشی متعلق به ۱۶۱۰ م). تاریخ ساخت این صندوقچه یک سال پس از ساخت صندوقچه برلین است. این امر نشان می‌دهد که صندوقچه برلین به احتمال الگویی برای ساخت صندوقچه موزه کلن است. بنا به کتیبه، سازنده صندوقچه کلن شخصی به نام عبدالله کیکلتاش (Abdollah Kokeltash) است. در مورد او اطلاعات مکتوبی وجود ندارد. نام او به نظر ازبک می‌آید نه ایرانی. این نقاشی نشان‌دهنده وابستگی هنر اقوام ترک به هنر ایرانی در سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی است. صندوقچه موزه برلین سرمشقی برای نقاشی صندوقچه موزه کلن است. اهمیت آن نه فقط به دلیل جنبه هنری آن، بلکه به لحاظ هویت رویداد تاریخی بود که شاه عباس دستور ترسیم آن را داده است.

پی‌نوشت

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

Walther Hinz, "Persische Darstellung eines Deutschen Botschafters am Hofe des Schah 'Abbas vom Jahre 1609." *Berliner Museen* 55 Jahrg., H. 2. (1934): 34-38.

** برای پیدا کردن اصل نقاشی در جعبه، چند بار به موزه برلین مراجعه شده، اما دسترسی به این جعبه ممکن نشد؛ یا جعبه به جای دیگری منتقل شده است و یا این که موزه در بخش دوره اسلامی موزه برلین آگاهی دقیق و درستی از آثار موزه ندارد. از همین رو، مترجم نتوانست اصل شعر فارسی را عیناً به فارسی بیاورد و ناگزیر ترجمه متن آلمانی در اینجا ارائه گردیده است [مترجم].

۱. پرفسور شولتز نیز در کتاب خود با عنوان *مینیاتورهای ایرانی-اسلامی از میریوسف* به عنوان نقاش مشهور سده شانزدهم نام برده است:
W. Schulz, *Die persisch-islamische Miniaturmalerei*, Bd. I, Leipzig, 1914, S. 194, 203.

۲. مثلاً نک: *تاریخچه نادری* که تا به حال تحقیق اندکی درباره آن انجام شده است. این کتاب را جلال‌الدین محمد یزدی نوشته که ستاره‌شناس دربار شاه عباس بوده است. نسخه دست‌نویس این کتاب در کتابخانه بودلیان در آکسفورد نگهداری می‌شود (مجموعه الیوت نسخه خطی شماره ۳۶۷).

۳. پرداختن به محتوای سفر دو سفیر اول آلمان به دربار ایران موضوع بحث ما در این مقاله نیست. در صورت علاقه می‌توانید منبع زیر را ببینید:
Franz Bablangers, *Sherleiana*, Berlin, 1933.

«کتابسرای افتخارزاده»

مرکزی برای عرضه و فروش کتاب‌های

باستان‌شناسی، تاریخ، موزه‌داری، مرمت، زبان‌های باستانی، ادبیات، عرفان، اساطیر و متون کهن

و آثار مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تلفن: ۶۶۹۵۵۸۹۵ فکس: ۶۶۴۹۴۵۷۲

همراه: ۰۹۱۲۵۰۰۹۹۱۹

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، زیر همکف، واحد ۲۱۷

